خبرنامهٔ کردستان

1

شماره : ۸ — ۱۳۵۸/۷/۱۶

تحریف اخبار کردستان از رادیو و تلویزیون وتعطیل روزنامه‌های آزادیخواه ضرورت انتشار این خبرنامه را ایجاب کرد .

در تکثیر آن بکوشید .

جنگ هنوز با شدت هرچه تمامتر در کردستان ادامه دارد . در شرایطی که رادیو و تلویزیون ضد ملی و ارگانهای خبری وابسته به قدرت حاکم از نشر اخبار واقعی کردستان خودداری میکنند ، در "خبرنامه کردستان" تصمیم گرفتیم تا گروهی را به جبهه جنگ کردستان بفرستیم و گزارشی مفصل از منطقه تهیه نماییم ، مطالب زیر بخش اول از گزارشی است که از شهرستانها و سویژه کوهستانها یعنی جبهه نبرد کردستان تهیه کرده‌ایم .

گزارشی از جبهه نبرد کردستان

این اولین باری بود من مامور شده بودم کار یک خبرنگار را بکنم و در راه این فکر بودم گزارشم را چگونه و از کجا آغاز کنم از مقاومت قهرمانانه مردم شهرها بر علیه اشغالگران یا از پیکار دلیرانه پیشمرگان قهرمان کوهستان ؟ نمیدانستم از "کارنه" دیوار آسین و می لای کردستان بنویسم یا از مهاباد قهرمان که امروز نقش لنینگراد ایران را در برابر یورش ارتجاع بازی میکند .

از همان لحظات اول به ما گفتند شهرها در دست ارتش و روستاها و راه‌ها و کوهها در دست چریکهای کرد است بهر حال ساعت ۹ صبح وارد مهاباد شدیم . مهاباد شهری با جمعیتی کمتر از ۶۰ هزار نفر بیش از یک ماه است که در برابر ارتش ضد خلقی دستپرورده امپریالیسم و پاسداران پلنگ پوش مقاومت میکند . سراسر در و دیوار مملو از شعارهای انقلابی است (تا خون در رگ ماست حسینی رهبر ماست) (بژی کورد و کوردستان) و (مرگ بر خلخالی و . . . .) آرامش ظاهری شهر نباید شما را فریب دهد ، اینجا از درون می جوشد مهاباد ارتش و پاسداران را مستاصل کرده است . حالا دولتی‌ها هم فهمیده‌اند بر خلاف آنچه فکر میکردند مهاباد را نه تنها نگرفته‌اند بلکه این شهر تبدیل به مردابی برای آنها شده که بیرون آمدن از آن مشکلتر از وارد شدن به درون آن است .

۶/۶/ امروز تظاهرات وسیعی به طرفداری از شیخ عزالدین حسینی و پیشمرگان و سازمانهای سیاسی انجام شده تظاهرکنندگان در حالیکه سرود "ئه‌ی رقیبز" میخواندند در خیابانهای شهر براه افتادند و یکصد افریادی زدند "درود بر حسینی مرگ بر خلخالی" غیر از خلخالی مرگ را نثار کسانی دیگری نیز میکردند !! صدای تیراندازی‌های پراکنده گاه و بیگاه بگوش می رسید . مردم دکانها و بازار و ادارات را تعطیل کرده بودند ، آنها خواستار تامین امنیت شهر بودند و میگفتند امنیت شهر وقتی تامین میشود که پاسداران و ارتش از شهر خارج شوند تانکها و زرهپوشها هم از مناطق مسکونی و پلنگ پوش (پاسدار) بر بالای کوه "روشان مجید" مشرف به شهر مستقر بودند ، طولی نمیکشد تظاهرات توسیع سراسر خیابانهای مهاباد را در بر میگیرد ، شعارهای زیادی داده میشود و بسیاری از آنها به زبان کردی (مرگ بر جاشکان ـ جاشه کرد فروشکان) (مرگ بر مزدوران ـ مزدوران کرد فروش) کرد فروشی برای یک کرد جرم سنگینی است که کمتر کسی در میان کردها دست به آن میزند ، عقیده عمومی در کردستان بر اینست سردسته و بزرگ رهبران عده احمد مفتی زاده است . تظاهرات لحظه به لحظه اوج میگیرد مردم چون سیلی بسوی خانه "شیخ عزالدین" سرازیر میشوند و ناگاه

پاسداران میرسند ، یکریو ، دوریو ، یک جیپ یگرود رعرض کمتراز ۵ دقیقه دهها وبلکه صدها پاسدار به داخل شهر میریزند . تیراندازی شروع میشود ، جنگ شعار به جنگ مسلحانه تبدیل میشود ، صدای رگبار و یک رگبار دیگر . باز هم رگبار مسلسل وگاهی انفجار نارنجک هم چاشنی رگبار مسلسلها میشود پاسداران همه جا را قرق میکنند و بهر جنبنده ای شلیک میکنند بیاد روزهای شکوهمند انقلاب می افتم ، ۱۷ شهریور ، اول محرم ، در سرچشمه و هشتپهلن در میدان انقلاب (۲۴ اسفند) تهران ، خدایا مگر رژیم عوض نشده مگر انقلاب نکرده ایم ؟ ! اینها که مردم را بهر گبار بسته اند پاسداران انقلاب بزرگ خلقهای ایران هستند ؟ یا افراد گارد شاهنشاهی ؟ ! در چند کوچه مردم را محاصره کرده اند . ما به خانه یکی از اهالی پناه بردیم زن صاحب خانه که یک زن چهارشانه قوی هیکل بود ما را به داخل خانه راهنمایی کرد و به زیرزمین برد ، چشم باز کردم گروهی دیگر نیز آنجا پناه گرفته بودند . ۲۰ نفر ، ۳۰ نفر و یا شاید بیشتر بعضی از آنها را می شناختم و یا شاید چون همه دردی مشترک داشتیم و در محاصره قرار گرفته بودیم احساس میکردم که با هم آشنا هستیم ، پاسداران دیوانه وار تیراندازی میکردند رگبار پشت رگبار . ما که سراپا گوش بودیم ناگهان به دنبال رگباری از گلوله نالهٔ زنی را شنیدیم که فریاد میزد " سوتام ، سوتام (سوختم ، سوختم) بدنبال آن پاسداری که موفق به شکار این انسان شده بود با نعره هایی که از رضایت خاطرش حکایت میکرد ، خطاب به خانه های در ماتم فرو رفته و پنجره های بسته فریاد زد : آهای دمکراتها بیائید پائین " بیائید پائین یهودیها " . . صهیونیستها . . و بدینگونه پیام آوران امنیت و آرامش در جمهوری اسلامی در پی شکار انسان کارشان به جنون و عربده جویی کشیده شده بود بدنبال این ماجرا پاسداران و نظامیان به خانه های مردم هجوم میبرند و مردان و یا جوانان را کشان کشان از خانه خارج میکنند . موج دستگیری ها آغاز میشود روز بعد تظاهرات با شدت بیشتری برگزار شد و این برنامه تقریباً هر روز در مهاباد تکرار میشود . آخر مگر میشود جلو باد را گرفت یا مانع تابیدن خورشید شد ؟

در این شرایط ما روز چهارشنبه ۶/۲۸ / مهاباد خونین را ترک گفته و به همراهی راهنما به طرف کوهستان و مقر رهبران شورش (شورش در زبان کردی بمعنای انقلاب و جنبش است) کردستان و بدیدار پیشمرگان کرد میرویم به فاصله کمی که از شهر خارج شدیم با گروههای پیشمرگان روبرو میشویم که همچنان حاکمیت خود را بر منطقه حفظ کرده اند . اکثریت قریب به اتفاق آنان مردم شهر و روستا یعنی توده فقیر مردم اند چند تائی از آنها را می شناسیم در میانشان بنا ، کارگر ساختمان ، بقال ، قهوه چی ، کارگر اتوشوئی ، دیپلمه ، لیسانسیه ، دانشجو و حتی درجه دار ارتش و ژاندارمری و یا سپاسبان دیده میشود . با عده ای دست میدهیم دستهایشان زمخت و پینه بسته است لیکن چهره ای خندان دارند در بین راه از میان روستاها عبور می کنیم ، مردم هر کجا ما را می بینند به نوشیدن چای و دوغ و رفع خستگی دعوت میکنند هر گاه چشمشان به پیشمرگی می افتد گویی ناجی خود را دیده اند ، چشمهایشان از خوشحالی برق میزند به هنگام دور شدن به گرمی بدرقه ات کرده و برایت آرزوی موفقیت میکنند . در عین حال هوشیارند و هر غریبه ای را زیر نظر دارند و آمد و رفت او را به شورش (جنبش) گزارش میکنند ، عده ای از آنها راجع به شهرهای دیگر و بارها برادران فارس بلوچ و ترکمن سئوال میکنند دختر جوانی از ما میپرسد که از شهرهای دیگر چه خبر ؟ آنجاها هنوز قیام نکرده اند ؟

پنجشنبه ۶/۲۹ / حدود ساعت ۳ بعد از ظهر به یکی از مقرهای چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان میرسیم ، چند دقیقه ای در کنارشان رفع خستگی میکنیم در بین آنها جوانان ترک ، فارس عرب ، بلوچ ، و کرد هست دختران چریک هم با لباس کردی و کلاشینکف دیده میشوند ، بعد از مدتی دوباره راه خود را ادامه میدهیم از چند کوه و دره عمیق میگذریم ، پیشمرگان در همه جا مستقر هستند ، حرکت هر جنبنده ای را زیر نظر دارند هنگام پرواز فانتومها و هلی کوپترها بر فراز کوهها که تقریباً قطع شدنی نیست پیشمرگان با حسرت نگاه میکنند یکی از آنها که روستایی ساده دلی بود و یک تفنگ ژ۳ بدست داشت خشمناک میگوید : اگر کمی پائین تر حرکت میکرد حسابش را میرسیدم " حرکت ما در کوهستان مدتی دیگر ادامه یافت و بلاخره پس از چند ساعت به مقر شیخ عزالدین حسینی رهبر کردستان میرسیم .

پیشمرگان مسلح همه جا را محاصره کرده اند چند روحانی مبارز نیز در مقر هستند رسیدن ما به مقر آنها را خوشحال

کرده است، اشتیاق ما برای دیدن "شیخ" هر لحظه بیشتر میشود . گروهی شایع کرده بودند که ما ولباس روحانیت را از تن خارج کرده است ولی وقتی او را دیدیم هیچ چیز تغییر نکرده بود ، چند مرد مسلح "شیخ" را احاطه کرده بودند او مثل همیشه به گرمی از ما استقبال کرد و قبل از هر چیز درباره اوضاع دیگر نقاط ایران سئوالاتی کرد سپس او از تبلیغات وسیع رادیو تلویزیون در جهت تحریف افکار مردم و تحریف وقایع کردستان و انتشار شایعات متعدد در مورد خروج رهبران جنبش کردستان به خارج کشور سخن میگوییم موضوعات مختلف مورد بحث قرار میگیرد و بالاخره مصاحبه‌ای صورت میگیرد که بسیاری از نکات ابهام جنبش کردستان را روشن میکند. (متن این مصاحبه را در شماره بعد منتشر میکنیم)

شب را به همراه پیشمرگان کرد در مقر رهبر ملی و مذهبی کردستان طی میکنیم بعد از شام کمی بسیار ساده بود یعنی انگور با پنیر با پیشمرگان از آینده جنبش و نقاط ضعف و قوت جنبش کردستان بحث میکنیم: در گفتار یکایک آنها آینده‌ای روشن و نزدیک را میتوان دید ، پیشمرگان معتقدند در آینده‌ای نزدیک دیگر خلقهای ایران هم به دروغپردازیها و ادعاهای رژیم فعلی پی میبرند و برای سرنگونی آن قیام میکنند و آنوقت انقلاب سراسری خواهد بود ، و خلق کرد تنها نخواهد ماند . شاید سراسری نشدن جنبش اکنون بزرگترین ضعف آن باشد . زیرا این امر به رژیم امکان داده است که نیروهای خود را در کردستان مستقر کنند و به یورش جنایتکارانه دست بزنند ، همه معتقدند مبارزه خلق کرد برای بدست آوردن خودمختاری از مبارزه دیگر خلقهای ایران در راه کسب حقوق ملی و امحای استبداد و استثمار جدائی ناپذیر است . به گفته آنان کردستان نخستین پایگاه این مبارزه و جایی است که انقلاب آینده ایران از آنجا آغاز میشود که امروز طلیعه آنرا می بینیم ، زندگی پیشمرگه واقعا سخت است شرکت پی درپی در درگیریها ، حرکت مداوم از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ، کمبود خوار و بار و مواد غذایی و دارویی و پوشاک ، اینها مشکلاتی است که آنها با آن روبرو میباشند، گرچه روستائیان آماده‌اند از هر لحاظ پیشمرگه‌ها را تامین کنند ولی خود آنها از تحمیل زندگی خود بر روستائیان ابا دارند.

جمعه ۳۰ / ۶ / حدود ساعت ۱۱ صبح بطرف یکی از مقرهای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران حرکت میکنیم بعد از چند ساعت عبور از کوهها و دره‌ها بدیدار تنی چند از رهبران و پیشمرگان این سازمان نیز نایل میشویم در میان آنها نیز گروهی از زنان پیشمرگ دوشادوش مردان اسلحه بدوش از خواست برحق خود دفاع میکنند ، اعضا و هواداران این سازمان را بیشتر روشنفکران و روستائیان مناطق مختلف کردستان و اعضای اتحادیه های دهقانی تشکیل میدهند از مشکلاتشان و شرایط موجود و آینده مبارزات کردستان و دیگر خلقها سئوال میکنیم آنها نیز با اطمینان ما را به تشدید و ادامه مبارزه تا برقراری حکومتی دمکراتیک در ایران نوید میدهند و اظهار میدارند که در آینده نزدیک مردم ایران این رژیم را که از ابتدای حکومتش دست به کشتار خلقها زده و با فریب و نیرنگ و دروغپردازی سعی در تحمیق مردم ایران دارد سرنگون خواهند کرد . متن مصاحبه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را نیز بزودی منتشر خواهیم کرد .

شنبه ۱ / ۷ / صبح روز شنبه به قصد دیدار رهبران حزب دمکرات ایران بسوی مقر فرماندهی حزب حرکت میکنیم این بار نیز ساعتها را پیمایی میکنیم تا اینکه اوایل غروب به مقر ح . د . ک . ا . میرسیم ، چند تن از پیشمرگان را آشنایان میابیم ، آنها ما را به دیدار سران حزب میبرند ابتدا با "هیمن" شاعر بزرگ کردستان دیدار میکنیم ، شاعری که ۱۱ سال در تبعید بود و فقط ۶ ماه توانست آزاد در مهاباد باشد و او از زمان قاضی محمد " به دربدری و آوارگی عادت کرده است او میگوید من دربدری را بر تسلیم و استبداد ترجیح میدهم ، ما با دکتر قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان ، پاسداران و نظامیان اسیر شده و نیز از عملیات رزمی پیشمرگان دیدار کردیم که مشروح آنرا بعدا منتشر خواهیم کرد .

برقرار باد خودمختاری خلق‌ها در چهارچوب ایرانی دموکراتیک !

مهاباد

مردم مهاباد به مانند مردم دیگر شهرهای ایران کمپرای ابراز تنفر از رژیم پهلوی دست به اعتصاب میزدند این روزها برای ابراز تنفر و انزجار از اعمال فاشیستی پاسداران اشغالگر همه اعتصابات عمومی و طولانی مبادرت میورزند اولین اعتصاب این شهر در روز ۶/۲۳/ از ساعت ۱/۵ به دنبال حمله پاسداران به شهر و دستگیری عده کثیری آغاز شد که تا روز ۶/۲۷ ادامه داشت مردم مهاباد دو خواست اصلی خود را که عبارت بود از ۱- آزادی فوری زندانیان ۲- اخراج پاسداران اعزامی از شهرهای مختلف عنوان کردند. این اعتصاب بدنبال مذاکره با نماینده دولت و قول آزادی زندانیان پایان یافت. دومین اعتصاب بدنبال پرتاب نارنجک از سوی پاسداران به طرف انبوه عابرین و کشته و زخمی شدن بیش از ۲۹ نفر صورت گرفت، این اعتصاب که با تظاهراتی نیز توام بود تا تاریخ ۷/۳/ ادامه داشت. سومین اعتصاب عمومی به دنبال تهدید خلخالی دایر بر اینکه اگر مغازه داران فعالیت خود را از سر نگیرند به سختی تحت تعقیب قرار گیرند، صورت گرفت و تا تاریخ ۷/۷ بطول انجامید.

درگیری که روز ۷/۷/ در بین بوکان مهاباد اتفاق افتاد ۷ پاسدار زخمی شدند و ۳ اتومبیل پاسداران بدست پیشمرگان افتاد. بدنبال اعدام چهار نفر در مهاباد پیشمرگان کرد چهار پاسدار اروجاش را که در اسارت آنها بودند بعنوان تلافی اعدام کردند و اجساد آنها را در نزدیکی مهاباد انداختند در مورد یکی از اعدام شدگان بنام عزیز در مهاباد، گفته میشود خلخالی جلاد او را اشتباهی اعدام کرده و بعد از سه روز متوجه ماجرا می شود ولی صدایش را در نیاورد.

عصر روز چهارشنبه بتاریخ ۷/۱۱/ در راه بین مهاباد - میاندوآب پیشمرگه ها راه را بر دو دستگاه ماشین حامل پاسداران بستند و در برخوردی که روی داد ۴ نفر از پاسداران کشته و بقیه به اسارت پیشمرگان درآمدند. یکنفر از مردم عادی که از بوکان به مهاباد باز میگشته بدست پاسداران کمکی در این محل بشهادت میرسد. در ساعت ۲۲ همین روز در حمله گسترده ای که پیشمرگه ها به پاسداران و نیروهای ارتشی مستقر در شهر مهاباد و اطراف آن نمودند و تا ساعت ۷ صبح روز بعد ادامه داشت دو دستگاه تانک مستقر در پادگان و یک دستگاه تانک مستقر در تلویزیون بوسیله آر-پی-جی - منهدم گردید. در این برخورد نیز دو پاسدار نیز کشته و عده ای به اسارت پیشمرگان در آمدند در این نبرد یک پیشمرگ و همچنین یک نفر از مردم عادی نیز به شهادت رسیدند. همچنین فرستنده رادیویی مهاباد نیز به داخل پادگان منتقل گردید و روز بعد یعنی روز ۷/۱۲ از طرف پادگان حکومت نظامی اعلام گردید.

در این روز پیشمرگان به چند نقطه دیگر شهر حمله کردند و خانه یکی از جاشها را منفجر کردند، این جاش در لو دادن مبارزان شهر، پاسداران را یاری میداد.

مذاکره استاندار آذربایجان غربی و حسینی کرمانی نماینده آیت‌الله خمینی با مردم مهاباد با شکست کامل روبرو شد. مردم مهاباد به این هیئت که خود را هیئت حسن نیت نامیده بود، گفتند: ما تاکنون جز سؤنیت از دولت هیچ چیز ندیده ایم و خواست های خود را که عبارت از آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران، بازگشت رهبران سیاسی، آزادی احزاب، از جمله حزب دمکرات کردستان، برسمیت شناختن حق خودمختاری کردستان و رسیدگی به جنایت "قارنه" که در آن ۶۸ نفر بیگناه بدست عوامل ملاحسنی و معبودی قتل عام شدند تسلیم حق گو کردند. در جلسه هیئت حسن نیت و مردم دادستان ضد انقلاب مهاباد (آرمان) به سازمانهای سیاسی کردستان نحاشی کرد که خانه وی و دو جاش دیگر بنامهای اسکندری و کاظم آقا منفجر شد، و دادستان نیز زخمی شد.

روز ۷/۱۴ اهالی مهاباد در مغازه مربوط به جاشها را به آتش کشیدند، پادگان مهاباد تعدادی از جاشهای شهر را جمع کرده و به داخل پادگان برده اند، در روزهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مهرماه در شهرهای بانه، سردشت، سقز و بوکان به مناسبت چهلم شهدا عزای عمومی اعلام شده است.

سنندج

روزپنجشنبه ۷/۱۳ بمناسبت چهلم اعدام جنایتکارانه ۹ نفر از بهترین فرزندان کرد بدست خلخالی روانی مراسم ویژه‌ای برمزار شهدا در گورستان سنندج برپا شد . در این مراسم که با حضور بیش از ده هزار نفر برگزار شد چند تن از مادران شهدا سخنرانی کردند . در این مراسم مادر شهدا "احسن وشهریار ناهید" خطاب به زنانیکه در گورستان گرد آمده بودند گفت :فرزندان من بهترین بودند اما بر مرگ آنان تأسفی ندارم ، برای خود متاسفم که هنوز زنده‌ام و می بینم چگونه خائنان ونوکران بیگانه بر این مملکت فرمان میرانند . خانمها چیزی نخواهد گذشت که این ستمگران و جباران نیز سرنگون خواهند شد واز هر قطره خون عزیزان من هزاران هزار فرزند راستین خلق کرد برخواهند خاست به فرزندان خود شهادت وشهامت را بیاموزید وآنان را برای فردایی روشن آماده سازید .

روزشنبه نیز به همین مناسبت و علیرغم ممنوع شدن اجتماع وتظاهرات از طرف خلخالی وپاسداران تظاهرات عظیمی با حضور بیش از ۴۰ هزار نفر در سنندج برگزار شد . تظاهرکنندگان که در میدان آزادی جمع شده بودند به طرف گورستان شهدای کردستان براه افتادند وشعارهای (مرگ بر خلخالی ، مفتی زاده چمران وقیاده ، خلخالی روانی اعدام باید گردد ومفرمان حسینی پاسدار دشمن ماست، خمینی هم بداند حسینی یگانه رهبر ماست، . . . بت شکن بت شده‌ای خود شکن) میدادند . در گورستان شهدا چند نفر سخنرانی کردند وپس از پایان مراسم مردم در حالیکه سرودهای " پیشه وه‌ی کوردی ئازاد ونوروزه" را میخواندند بسوی شهر حرکت کردند . در روز شنبه سنندج عزای عمومی اعلام شد واز روز پنجشنبه ادارات در اعتصاب بسر میبردند ومدارس تعطیل بود. روز شنبه تمام مغازه‌ها تعطیل وبسته بود . بدنبال یورش ارتجاع بکردستان این بزرگترین تظاهرات وراهپیمایی در نوع خود بود . درحالیکه گروهی از جاشهای مفتی زاده در سنندج شایع کرده اند که وی در رقم تحت نظر میباشد ، اخیرا اطلاع حاصل شد که نه تنها وی تحت نظر نیست ، بلکه در مجلس خبرگان ودر اتاق "مجتبی کرمانی" بسر میبرد . جاشهای ملا احمد مفتی زاده میخواستند با پخش این شایعه آبروی نداشته ملا احمد را باز خرند ! !ودر حالت وی را در کشتار مردم کردستان تکذیب کنند .

شایع است که یک گروهان از نظامیان که برای اعزام بمسردشت آنها را تحت فشار قرار داده‌اند در پادگان سنندج متحصن شده‌اند واسلحه‌های خود را زمین گذاشته‌اند ؛ این عده گفته‌اند حاضرند اعدام شوند ولی بمسردشت نروند .

سقز

دهقانان اجتماع گروه زیادی از مالکان وفئودالهای کردستان را که در روستای "سراپا" نزدیک کیلومتری سقز جمع شده بودند ومشغول طرح ریزی توطئه هایی بر علیه دهقانان وجنبش ملی خلق کرد بودند با یک حمله مسلحانه بهم زدند. این عده در خانه "اسماعیل عباسی" فرزند سناتور عباسی غلام خانه زادشاه جمع شده بودند وتصمیم داشتند در مورد نحوه توزیع اسلحه هایی که اخیرا دولت جمهوری اسلامی بنام حفظ مرزها وبرای سرکوب مبارزان به آنها داده است تصمیم بگیرند . آنها به روستائیان پیغام داده بودند که باید معادل مبلغی که سالهای قبل بنام قسط زمین هایشان میدادند به عنوان بهره مالکانه پرداخت کنند ولی روستائیان مسلح به این اجتماع حمله کرده وآنها را متفرق کردند .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگان داخلی آن !

موج تظاهرات و اعتصابات در چند روز گذشته همچنان در شهر سقز ادامه داشت، دانش آموزان دبیرستان پرورش سقز سه پاسداری را که به داخل دبیرستان حمله کرده بودند خلع سلاح کردند. دانش آموزان دبیرستان شاهپور هر روز بعد از خروج از دبیرستان با نقشه قبلی با ماژیک و زغال به خیابانها میریزند و بر علیه جلاد و مزدور شعار مینویسند، هفته گذشته گروه کثیری از دانش آموزان بازداشت شدند ولی بعداً مجبور شدند همه آنها را آزاد کنند، دانش آموزان هنگام بازداشت سرود "ئه ی رقیب" را میخوانند.

تحصن و مهلت یک هفته‌ای معلمان سقز

هفته گذشته بدستور خلخالی همه معلمان سقز را جمع کرده و به پادگان سقز بردند. خلخالی برای معلمان سخنرانی کرده است و به آنها گفت مسبب اغتشاشات معلمان هستند و وی سپس به "عزالدین حسینی" رهبر خلق کرد توهین کرد و معلمان نیز مقابله بمثل کرده و به خلخالی دشنام دادند سپس پاسداران به اجتماع معلمین حمله کردند و در نتیجه با تیر هوایی آنها را متفرق نموده بدنبال این حادثه معلمان سقز در محلهای کار خود متحصن شده و اعلام کردند تا برقراری امنیت کامل در شهر حاضر به بازگشت بر سر کار خود نیستند. تحصن معلمان تا عصر روز یکشنبه ۸/۷/ ادامه یافت و بعد از آن متحصنین به ارتش و پاسداران یک هفته مهلت دادند.

به یک گردان از افراد نظامی تیپ سقز دستور داده شده بود که برای مأموریت به بانه حرکت کنند ولی افراد این گردان از رفتن به طرف بانه سرباز زدند و چند تن از افراد گردان دستگیر شدند.

۳۵۰ نفر از افراد گارد جاویدان (جمعی لشکر دوگارد شاهنشاهی!!) وارد سنندج شده و از آنجا عازم مریوان و سقز شدند (۵ صبح روز ۱/۷).

کرمانشاه

سکوت یک ماهه کردستان جنوبی (سنندج و استان کردستان) به دنبال بازشدن مدارس شکسته شد و موج تظاهرات و راهپیمائی سراسر شهرها را فرا گرفت. شب جمعه ۵۸/۷/۶ که مصادف با چهلم نخستین گروه اعدامشدگان بیدادگاه خلخالی از جمله "هرمز گرجی بیانی" بود مردم کرمانشاه یاد این شهید قهرمان را گرامی داشتند. تظاهرکنندگان با شعار "درود بر گرجی بیانی و مرگ بر ارتجاع" از میدان سیلو براه افتادند و در بین راه گروههای دیگری از مردم که شعار میدادند به تظاهرکنندگان ملحق شدند، تظاهرات تا گورستان شهر ادامه یافت، در آنجا همسر شهید گرجی بیانی "برای مرد سخنرانی کرد و هنگام بازگشت مردم گروهی از اوباشان شهر و لچک‌ها با چاقو و قمه به شرکت‌کنندگان در مراسم حمله کردند و گروهی را زخمی و به گفته‌ای یک یا دو نفر نیز کشته شدند.

تظاهرات روز دوشنبه ۵۸/۷/۷ نیز ادامه یافت و دانش آموزان ابتدا در محل اداره آموزش و پرورش جمع شده و با شعار درود بر فدایی شهید هرمز گرجی بیانی "مرگ بر خلخالی جلاد خواهان محاکمه و مجازات عاملان اعدامهای جنایتکار انه کردستان شدند. در همین ضمن گروهی از اوباشان شهر به اجتماع مسالمت آمیز دانش آموزان حمله کرده و سه یا چهار نفر بوسیله قمه از پای درآمدند، تعداد مجروحان این حوادث بیش از سی نفر بود. تظاهرات روزهای یکشنبه و دوشنبه نیز ادامه یافت و روز یکشنبه ۷ بمب در نقاط مختلف کرمانشاه از جمله در محل استقرار سیاهپاسداران منفجر شد. در درگیری تظاهرکنندگان و اوباشان تحریک شده در روبنحره اداره آموزش و پرورش و شیشه‌های چند بانک شکسته شد و نظامیان با خشونت تمام به تظاهرکنندگان حمله کردند و بیش از ۲۰ نفر به ضرب گلوله از پای درآمدند. مدارس کرمانشاه در هفته دوم مهرماه و بهمن ماه نیمه تعطیل بود. در جلوی کلیه مدارس پاسداران و پاسبانان مسلح ایستاده و از خروج دانش آموزان جلوگیری میکردند.

رشت

رشت: به قرار اطلاع افسری بنام "سروان دلگشا" که برای اولین بار شهر بیاوه را بمباران کرد و اخیراً بشدت پشیمان و دچار ناراحتی وجدان شده بود با خوردن چند عدد قرص خواب آور در رشت خودکشی کرده است.

۷
مریوان

مریوان: شبیکشنبه ۷/۸ پیشمرگان ازچهارطرف به شهرمریوان حمله کردند . آنها ابتدا یک اتومبیل شهربانی را در نزدیکی این اداره منفجرکرده وبعد ازمدتی تیراندازی عقب نشینی کردند ، نیمساعت بعد پیشمرگان از داخل وخارج شهربه فرمانداری شهربانی ومحل استقرار پاسداران درد ونقطه شهرحمله کردند ، وپس ازوارد کردن تلفات جانی و مالی زیادی به سلامت ازداخل شهرعقب نشینی کردند . همچنین به دنبال دستگیری چهارتن ازخانهای طایفه "حیدری و کانی سانان" به خاطرهمکاری باپاسداران وقتل فجیعانه دوبرادر "فؤاد مصطفی سلطانی" گفته شد یکی از اعضای این خانواده به اعدام محکوم شده (دردادگاه انقلابی خلق) این چهارنفربوسیله پیشمرگان "یه کیه تی جوتیاران" یعنی "اتحادیه دهقانی" مریوان ربوده شدند.

هموطن : آنچه که در کردستان میگذرد ، جنگ اسلام بضد اسلام نیست، جنگ ارتجاعیون وسرمایه داران چیره خوار آمریکا برعلیه آزادیخواهان وزحمتکشان کردستان است . سرکوبگر کردستان به معنای حاکمیت مطلق ارتجاع و امپریالیسم است. مصاحبه های کرمانی نماینده آیت‌الله خمینی درکرمانشاهان واستاندار وفرماندار وفرمانده ژاندارمری کرمانشاهان را درکیهان واطلاعات سه شنبه ۶/۲۷/ بخوانید وقضاوت کنید که قضاوت توده بهترین داوری تاریخ خواهد بود . این سخنان درحالی زده میشود که ادعای پاکسازی کردستان را دارند .

سرپل ذهاب

ازشهرسرپل ذهاب پس ازیورش ارتجاع به منطقه تقریباً یکهزارخانوارخارج شده وبه عراق پناهنده شده اند واوضاع شهرانفجارآمیزوهرروزتظاهرات واجتماعات پراکنده ای علیه پاسداران وارتش برگزارمیشود . اهالی سرپل ذهاب اکثراً اهل تسنن وعلی اللهی هستند وتنها پاسداران غیربومی پادگان ابوذر ازکمیته شهرکه بوسیله غیر محلی ها دایرشده حمایت میکنند . به گفته پاسداران کرمانشاه دوشنبه گذشته ۹ مهر شهرسرپل ذهاب برای مدت چندین ساعت درتصرف پیشمرگان بود ولی به علت قطع ارتباط این شهربانقاط دیگر بدست آوردن خبرصحیح ازاین نقطه امکان پذیرنبود .

هفته گذشته پیشمرگان دامنه حملات خود را به شهرهای استان ایلام گسترش داده وچندباربه شهرهای این استان ازجمله مرکزرادیووتلویزیون شهرایلام حمله کرده وآسیبهای فراوانی به این مرکزوارد کردند .

براساس گزارش رسیده ازسرپل ذهاب درحمله به این شهردوافسرارتش کشته شده اندکه اجساد آنها به وسیله هلی کوپتربه تهران فرستاده شده است، نام این دوافسرهنوز معلوم نیست .

سرکوبگران خلق کرد ، دشمنان وحدت خلقهای ایرانند !

قصرشیرین

در قصرشیرین ، شاه‌آباد ، سومار ، کرند ، پاوه نیز تظاهراتی بر علیه دولت و بعنوان اعتراض به اعدام ظالمانه شهدای کرمانشاه به عمل آمد . در سومار مردم بر علیه گرانی ، نداشتن آب و برق و کار تظاهراتی به عمل آوردند . پاسگاه سومار هم چند بار مورد حمله چریکها و پیشمرگان کرد قرار گرفت.

شهر قصرشیرین به دنبال حمله بمرادیو و تلویزیون و نیروگاه برق آن منطقه ناآرام است. در این حمله افراد پادگان ابوذر یکساعت پس از خارج شدن چریکها از محل وارد قصرشیرین شدند !! فالانژهای قصرشیرین تاکنون ٤ بمب در نقاط مختلف از جمله در خانه دو نفر از مبارزین شهر منفجر کردند . گفته میشود انفجارها کار گروه مذهبی "میثم تمار" است، این گروه اخیرا اعلامیه تهدید آمیز برای عده‌ای از مردم شهر فرستاده و از آنها خواسته تا ثلث نصف درآمد خود را به عنوان کمک به مستضعفین در اختیار شیخ محمد باقر غروی رئیس کمیته امام خمینی در قصرشیرین گذارند .

مسئول این گروه معلوم است که نام او شیخ محمد غروی در لیست ساواکیها بوده است. این لیست را مبارزان پادگان ابوذر از اسناد ساواک موجود در پادگان خارج کرده اند . با این گروه یک دانشجوی دانشسرای عالی سنندج بنام منظری همکاری میکند ، این شخص در لو دادن مبارزان سنندج و قصرشیرین با پاسداران همکاری میکند .

کرند

بدنبال دستگیری شش مبارز کرندی بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی کرند در استانداری کرمانشاه متحصن شدند ، حاجی آخوند نماینده خمینی در استان و فرمانده ژاندارمری به اتفاق مسئول پاسداران وارد کرند شدند و اهالی شهر در میتینگ با شکوهی پشتیبانی خود را از دستگیرشدگان و متحصنین استانداری اعلام کردند . حاجی آخوند مجبور شد زیر فشار مردم کرند ابتدا ۵ نفر از دستگیرشدگان را آزاد کند و چند نفر هم بعد آزاد شدند مردم در این اجتماع اعلام کردند چون برای دفاع از خود به اسلحه نیاز دارند حاضر به خلع سلاح نیستند ، مضافا بر این پاسداران باید از شهر خارج شوند ، و مبارزان کرند که بدنبال یورش ارتجاع به منطقه از شهر خارج شده اند بازگردند ، و دستگیری مبارزین متوقف شود ـــــــــــــــــــ

سید قاسم افضلی معاون سابق پالیزبان که مخفیانه مشاور حاجی آخوند شده بود دستگیر و محاکمه شود . و شورای مردمی شهر ابقا گردد. حاجی آخوند قول داده است خواسته های مردم کرند را به اطلاع آیت الله خمینی برساند . در کرند و قصرشیرین در چهلم شهید "گرجی بیانی" تظاهرات در هر دو شهر برپا شد ، اوضاع کرند هنوز ناآرام است ، .

بدنبال انفجار مرکز "ماکرویو" کرند ارتباط چند شهر غرب کشور با نقاط دیگر قطع شد ، این انفجار بوسیله چریکهای کرد و پیشمرگان صورت گرفت.

بوکان

بوکان: پاسداران جمهوری اسلامی به روستای "پرده زرد" حمله کرده و پس از بازرسی روستا ۲۰ نفر را دستگیر کردند مردم معتقدند یکی از روستائیان ثروتمند بنام "حاجی عبد الصمد" آنها را به بهانه داشتن اسلحه لو داده است .

روز ۷/۷ دانش آموزان مدارس ابتدائی و راهنمائی با چوب و سنگ و شیشه به پاسداران حمله کرده و در شهر این شایعه قوت گرفته است : به این علت که پاسداری قصد تجاوز به دختری را داشته است دختر با اسلحه کمری پاسدار انقلاب اسلامی را کشته و خود متواری شده است .

در شهر بوکان هر شب صدای تیراندازی و شلیک توپ و مسلسل شنیده میشود ، شنبه شب ۷/٦ / ساعت یازده و نیم شب تیراندازی های شدیدی در داخل شهر صورت گرفت گفته میشود در این درگیری سه پاسدار زخمی شده اند . در سالروز شهادت "کمال حمیدی" و "محمد بهرامی" بدست مزدوران پهلوی در سال گذشته تمامی مدارس بوکان تعطیل شد و دانش آموزان

باشعار "مرگبرد یکتاتور جدید وخلخالی جلاد اعدام باید گردد" یاد این دو شهید را گرامی داشتند .

روز ۶/۷/۰۲ خودرو مملو از سرباز "۷ زرهپوش" ه تانک چیفتن" از بوکان بازمسقز شدند ودر بوکان مقدار زیادی سلاح در اختیار پاسداران قرار دادند . احمد مقتدری ومحمود رضایی "صلاح تیکان تپه" بابا میری "وسه نفر بنامهای احمد وعلی وعثمان رستمی از پیشگام بوکان دستگیر وبه مسقز فرستاده شدند . اتهام محمود رضایی فروش قند به افراد حزب دمکرات است ودو برادر احمد مقتدری نیز بازداشت شده اند .

سردشت

سردشت: همچنان قهرمانانه درمقابل یورش ارتجاع مقاومت میکند . صدای تیراندازی وشلیک توپها یک لحظه قطع نمیشود . ــ هرشب ازساعت ۸ شب به بعد صدای تیراندازی ازچهارطرف شهربه گوش میرسد . مسافرانیکه از روستاهای مختلف به خصوص ازاطراف پیرانشهربه مهاباد وسردشت می آیند همگی خبرازدرگیری شدید ارتش و ــ پاسداران باپیشمرگان قهرمان کردستان میدهد . درسردشت ارتش فقط برپادگان مسلط است پیشمرگان شبها آزادانه به داخل شهرمیروند . هفته گذشته چندین انفجاردرسردشت روی داد ودریک حمله مسلحانه به سه کامیون مواد غذایی درروستای "مارغان" پیشمرگان ۵ پاسدار راکشته ۸ نفرراازخمی و ۱۱ نفرراا سیرکردند . اسامی کشته شدگان راروزنامه‌های سانسورشده دولتی نیزاعلام کردند . دراین حمله ۳ کامیون حامل مواد غذایی نیزمنهدم شد .

روز ۸/۷/ به دواتوبوس حامل پاسدار درجاده بانه ــ سردشت حمله میشود وحدود ۲۴ نفرازپاسدارها زخمی و کشته میشوند ، گروهی ازپاسداران نیزبه اسارت گرفته شده اند . یک منبع موثق اظهارداشت اکنون بیش از ۵۰۰ نفر پاسدار ونظامی دراسارت پیشمرگان میباشند .

بانه

بانه : شهربانه طی چند روزگذشته همواره صحنه تظاهرات خیابانی ودرگیری باپاسداران ونظامیان مسلح بود دریک یورش مسلحانه پیشمرگان کردستان در "دول همرزن" یک ریوارتش کلیه سرنشینان ریوکه ۸ نفربودند دستگیروزخمی شدند . درشهربانه نیزچند حمله مسلحانه به پاسداران ونظامیان صورتگرفت ، که درجریان آن دو نظامی ویک پاسدارکشته‌شدند .

نزدیک به ۳۰۰ پاسبان ازکرمانشاه وارد مهاباد شدند . این عده بجای کردهائیکه درشهربانی مهاباد کار میکردند مشغول به کارشدند .

پاوه

پاوه : خبررسیده ازکرمانشاه حاکیست که درتاریخ ۱۳/۷ درمسیرپاوه کرمانشاه بین "قوری قلعه وانسر" یک خودرونظامی توسط افراد مسلح کرد محاصره وبه‌آتش کشیده شد ، وسرنشینان آن که ازافراد ژاندارمری بودند پس از خلع سلاح آزاد شدند . عده کثیری افراد مسلح دراطراف کرند " مستقرهستند ودرچند روزگذشته چند باربا پاسداران درگیرشده‌اند .

اشنویه

اشنویه : صبح روز پنجشنبه ۱۳/۷/ یک بمب ساعت شماردرزیریک اتومبیل جیپ که درنزدیکی مغازه‌ای متوقف شده بود ، منفجرشد ویک نفرکشته و ۱۲ نفرزخمی شدند . درنزدیک این مغازه جوانان مترقی شهرگاهی جمع میشدند وگفته میشود بمب گذاری کارفئودالهای زرزا واحمد بیگ " میباشدکه اکنون همراه جاشهای اشنویه بادولت همکاری می کنند ، یک خبردیگر ازاشنویه حاکی است هنگامیکه عوامل ارتجاع باهمکاری ادریس بارزانی واحمد بیگ وفئودالهای زرزا مشغول توزیع اسلحه بین جاشها بودند مورد حمله پیشمرگان کرد قرارگرفته وتمام اسلحه های پاسگاه "کانی سپی" که برای توزیع بین جاشها آماده شده بود مصادره میشود . دراین حمله چند تن ازجاشها دستگیرشدند .

بلوچستان

اهالی بخش "تیک شهر" وچندین قریه ازجمله کشیک وملا درتاریخ ۲۸ / ۵ دریک گردهمایی به طرفداری از خواسته های منطقی خلق کرد رامپیمایی انجام میدهند . راه پیمایان باشعار" خلق کرد پیروزاست ، ارتجاع نابود است ، مرگ برارتجاع وحامیانش، امروزکردستان فردا بلوچستان ، حسینی رهبرسیاسی ماست، مرگ برحکومت ارتجاعی وقرون وسطایی) (بیلان ،بیلان ، من وتی حکا جنگگنن ،گون وتی حونارمیناونگگننن) (دوستان، دوستان ، من برای حقوق حقه ام میجنگم باریختن خونم زمین رارنگ آمیزی میکنم) درپایان این تظاهرات قطع نامه ای به این مضمون صادرمیشود ۱ـ حمله قوای نظامی وارتش ضد خلقی به خلق کرد ومناطق کردنشین که به دستورارتجاع وحامیان امپریالیستیش صورت گرفته شدیداً محکوم کرده وهمبستگی خود رابه خلق کرد اعلام میکنیم. ۲ـ عزالدین حسینی رار هبرسیاسی خود میدانیم ۳ـ اعتقاد داریم که حکومت قرون وسطایی وحامیانش امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکابرای حفظ منافع ضد بشری خود خواسته های منطقی خلقهای تحت ستم راوارونه جلوه داده ، به کشتاربیرحمانه آنان میپردازد ، قاطعانه خواهانیم که دولت ارتجاعی ازجنایات بیشرمانه علیه خلق کرد دست بردارد ، وبه حقوق منطقی آنان وسایرخلقهای تحت ستم ازآن جمله خلق بلوچ استقبال کند . ۴ـ خلع سلاح خوانینی که مشتی اوباش وجانیهای مزدورزمان حکومت منفورمحمدرضاشاهی رادورخود جمع کرده اند ودولت ارتجاعی یامسلح کردن آنهاجهت سرکوب خلق بلوچ استفاده میکند هرچه سریعتربه عمل آید ۵ـ ازدولت قاطعانه میخواهیم هرچه زودترحمله مسلحانه شبانه به خانه اهالی راکه صورت میگیرد ، ازطریق استخدام پاسداران محلی متوقف کند .

هفته گذشته یک ستون عملیاتی ازواحدهای ژاندارمری عازم بلوچستان شد ، فرماندهی این ستون را سرتیپ بابانژاد بعهده دارد .

تهران :روز سه شنبه ۱۰ /۷/ مراسم چهلم شهید "دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری" که جان خود رادرراه خدمت به خلق کرد وآرمان زحمتکشان ازدست داد در دانشگاه ملی ایران برگزارشد . دراین مراسم صدها نفرازپزشکان، کارگران وطرفداران سازمانهای مترقی حضورداشتند . ابتدا پیام خانواده شهدای جریکهای فدایی ، پیشگام ، کانون دستیاران وزیدنت ها ، کارگران شهرک اکباتان ، رزمندگان ،جبهه دمکراتیک، دانشجویان مبارز، وکتابفروشیهای کنارخیابان (وسیله یک دستفروش خردسال) وچند پیام دیگرخوانده شد . وسپس جلسه بالخواندن سرود "نه ی رقیب" کردی پایان پذیرفت . درپیام سازمان چریکهای فدایی اعدام مبارزان کردستان یا اعدام گروه ۹ نفره جزنی وسیله ساواک مقایسه شده بود .

ازشرکت مخابرات گزارش میرسد که تلفنهای زیادی درتهران کنترل میشود ومسئول این کار افسری بنام سرتیپ یزدانی میباشد که درروزیم گذشته هم اینکاررا انجام میداده یک نفربنام "نفرآلا دپوش" بایزدانی همکاری میکند

تبریز : درتبریزتظاهراتوسیعی وسیله دیپلمه های بیکاربرگزارشد ،که گروه دیگری ازمردم به آنان ملحق شدند . تظاهرکنندگان شعارهایی برعلیه دولت وبه پشتیبانی خلق کرد دادند . دردبیرستان پروین تبریز نیز گروهی ازدانش آموزان به نفع خلق کرد تظاهرکردند ، ولی گفته میشود چند نفرازآنها را اخراج کرده اند . به همین جهت این دبیرستان به حالت تعطیل درآمد .

مرگ بر امپریالیسم ونوکران داخلیش

پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد

مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران

" طرفداران جبهه متحد کردستان "

تکثیر از: سازمان دانشجویان کردستان درخارج (کومه له)
بخش سوئد ۱۷/ ۱۰/ ۷۹